

<https://t.me/bineshcc/667>

۵. رشیدرضا، مجلة المنار، ۱۰/۱۹۲.
۶. همان.
۷. همان.
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ۱۰/۲۷۹.
۱۲. همان.
۱۳. گفتنی است یکی دیگر از شواهدی که برسلفی‌گرایی شدید رشیدرضا دلالت می‌کند دشمنی وی با حاکمان عثمانی و همدلی‌اش با جنبش سلفی محمد بن عبدالوهاب علیه حکومت عثمانی است. رشیدرضا این مسئله را در جای دیگری با صراحت تمام بیان کرده است: «ما در ایام کودکی اخبار وها بیت را از رساله زینی دحلان [از فقهای مکه] می‌شنیدیم و این اخبار را به پیروی از مشایخ و پدرانمان تأیید می‌کردیم. و تأیید می‌کردیم که دولت عثمانی حامی دین است و به همین سبب با وها بیت جنگیده و شوکتشان را در هم شکسته است. من حقیقت این طایفه [وها بیت] را نمی‌دانستم تا وقتی که به مصر هجرت کردم و از تاریخ الجبرتی و تاریخ الاستقصاء اطلاع یافتم و دانستم که وها بیون - و نه کسانی [=عثمانی‌ها] که با آن‌ها می‌جنگیدند- بر هدایت اسلام بودند... و همانا دولت عثمانی فقط به سبب ترس از نوزایی پادشاهی عرب و بازگشت خلافت اسلامی به شیوه اولیه‌اش با وها بیت جنگید» (السید محمد رشیدرضا (۱۹۷۵). مقدمته علی الطبعة الثانية لکتاب صیانة الإنسان عن وسوسة الشیخ دحلان لمحمد بشیر السهسواني الهندي، ص ۱۳، ۱۲، ۵).
۱۴. عجم اوغلو و رابینسون (۱۴۰۱). چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر. ترجمه: محمد حسین نعیمی پور و محسن میردامادی. تهران: روزنه، ص ۲۸۵، ۲۸۳.
۱۵. رشیدرضا، مجلة المنار، ۱۰/۲۷۹.
۱۶. همان.
۱۷. محمد عبده در گفت‌وگویی با شیخ محمد البجیری- از اعضای مجلس اداره الزهر- گفته بود: «اگر من بهره‌ای از علم صحیح دارم... پس همانا این علم برای من حاصل نشد مگر پس از آنکه بیست سال طول کشید تا آلودگی الزهر را از مغزم پاک کنم» (۱۹۹۳). الاعمال الکاملة للامام محمد عبده. تحقیق و تقدیم: د. محمد عمارة. القاهرة: دار الشروق، ۳/۱۹۴.
18. Duvall, Nadia (2019). *Islamist Occidentalism; Sayyid Qutb and the Western Other*. Berlin: Gerlach Press, p. 133.
۱۹. برای مطالعه بیشتر در این باره می‌توان به کتاب ارنست نولته رجوع کرد: نولته، ارنست (۱۴۰۰). اسلام‌گرایی: سومین جنبش مقاومت رادیکال. ترجمه: مهدی تدینی، تهران: نشر ثالث.
20. Nadia Duvall, p. 59.
21. Ibid, p. 62.
22. Ibid, p. 77.
۲۳. سید قطب (۱۹۹۲). خصائص التصور الاسلامي ومقوماته. القاهرة: دار الشروق، ص ۱۵، ۱۲.
۲۴. همان، ص ۱۸.
25. Nadia Duvall, p. 118.

## پی‌نوشت

۱. البته از آنجاکه ظهور و بروز اسلام بیش از اینکه در جغرافیای سیاسی امپراتوری‌های شرقی باشد در محیط امپراتوری روم رخ داد، برخی مورخان معتقدند که اسلام را -مانند مسیحیت- باید یک دین غربی نامید. این مورخان با تکیه بر اهمیت بی‌بدیل امپراتوری روم شرقی به مرکزیت قسطنطنیه (استانبول امروزی) معتقدند که خاستگاه تمدنی که مسلمین در فاصله قرون نهم تا دوازدهم میلادی در مناطق پهناوری از آسیا، شمال آفریقا و قسمت‌هایی از اروپا گستراندند به همان اندازه تمدن مسیحیان «غربی» است. برای مثال نک: Cole, Juan (2018). *Muhammad: Prophet of Peace Amid the Clash of Empires*. New York: Bold Type Books, p. 3.
- در مقام توضیح این ادعای می‌توان گفت که به‌رغم اهمیت و اعتبار خاصی که دستگاه کلیسای واتیکان در اروپا برای مسیحیان و تاریخ مسیحیت دارد، منشأ و خاستگاه تکوین و گسترش الهیات مسیحی را نه در قلب اروپا، بلکه باید در شرق جغرافیایی و در حوزه تمدنی امپراتوری روم شرقی جست‌وجو کرد. این امپراتور کنستانتین بود که برای نخستین بار مسیحیت را به دین رسمی امپراتوری روم شرقی تبدیل کرد. شورای بسیار مهم نیقیه - به‌منابۀ نخستین شورای جهانی کلیسا که نقش بی‌بدیلی در تدوین ارتدکسی مسیحی بازی کرد - در سال ۳۲۵ میلادی در شهر نیقیه تشکیل شد که جزئی از امپراتوری روم شرقی بود. این شهر در ناحیه شمال غربی آناتولی واقع شده بود که به لحاظ جغرافیایی اینک در موقعیت شهر جدید ایزنیک (İzmit) در استان بورسای ترکیه قرار دارد. همچنین شورای دوم کلیسا نیز در قسطنطنیه تشکیل شد. شورای سوم در سال ۴۳۱ میلادی در شهر باستانی ایفسوس تشکیل شد که اینک در نزدیکی شهر سلجوق (Selçuk) در استان ازمیر ترکیه واقع شده است. شورای بسیار مهم خلقیدون یا کلسدون در سال ۴۵۱ میلادی نیز در شهر باستانی خلقیدون تشکیل شد که اینک در موقعیت جغرافیایی محله‌ای از نواحی آسیایی استانبول مشرف به تنگه بسفر با نام کادیکوی (Kadıköy) قرار دارد. از همه این‌ها مهم‌تر، زادگاه عیسی مسیح (ع) در بخشی از جغرافیای فلسطین کنونی و نواحی تحت سیطره امپراتوری روم شرقی بوده که آن نیز به لحاظ جغرافیایی نه داخل اروپا بلکه در سرحدات قاره آسیا و اروپا واقع است.
۲. برای نشان دادن درستی این مطلب می‌توان به انبوه روایات آخرالزمانی درباره سرنوشت مسلمانان در برخورد با روم اشاره کرد که در مشهورترین و قدیمی‌ترین منابع روایی اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم، مصنف ابن ابی شیبیه و سایر مسانید و کتب موسوم به سنن آمده‌اند: ناجایی که قدمای محدثین ابواب مجزایی از این کتاب‌ها را با اشاره به روم و رومیان نامگذاری می‌کردند، مانند: «ما قبل فی قتال الروم» در کتاب صحیح بخاری، «باب تقوم الساعة والروم أكثر الناس» در صحیح مسلم و... .
۳. این روایت با الفاظ گوناگونی در منابع معتبر حدیثی اهل سنت آمده است، از جمله: «... إن فیهم لخصالاً أربعا إنهم لأحلم الناس عند فتنة وأسرعهم إفاقة بعد مصیبة وأوشکهم کرة بعد فرة وخیرهم لمسکین ویتیم وضعیف وخامسة حسنة جمیلة وأمتنعهم من ظلم الملوك» (احمد حنبلی، مُسنَد، ش ۱۸۰۲۲؛ مسلم، صحیح، ش ۲۸۹۸).
۴. نک مقاله اسامة شحادة، «پرچمداران اصلاح سلفی معاصر: امام مجاهد، شیخ محمد رشیدرضا». ترجمه شده در سایت و کانال تلگرامی «بینش»:

<https://bit.ly/344no6v>